

سید محمد رفیع

آب درمانی

راهی به سوی سلامتی جسم و روح

نقوی پور، علی، ۱۳۲۷-

آب درمانی: راهی به سوی سلامتی جسم و روح/
نویسنده: علی نقوی پور؛ با مقدمه حسن جلالیان۔ همدان:
علی نقوی پور، ۱۳۸۴.
۴۷ص:۔ مصور، عکس:

ISBN: 964-06-7395-1

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیپا.

۱. آب درمانی. الف. جلالیان، حسن، ۱۳۴۷- ،
مقدمه نویس. ب. عنوان.

۶۱۵/۸۵۳ RM ۸۱۱ / ۱۳۸۴ ن/۷

شناسنامه کتاب

عنوان: آب درمانی راهی به سوی سلامتی جسم و روح

مؤلف: علی نقوی پور

ناشر: مؤلف

چاپ: اول ۱۳۸۴

تیراژ ۳۰۰۰

شابک: ISBN: 964-06-7395-1

قیمت: ۴۰۰۰ ریال

فهرست موضوعات

صفحه	عنوان
۵.....	مقدمهٔ استاد آب درمانی - حسن جلالیان
۸.....	مقدمهٔ مؤلف
۹.....	بیماریهایی که با آب درمان می‌شوند
۱۱.....	مراحل ۳ گانه آب درمانی و شرح حالم
۱۲.....	مرحله اول آب درمانی‌ام
۱۶.....	مرحله دوم آب درمانی‌ام
۲۷.....	مرحله سوم آب درمانی‌ام
۳۰.....	نکاتی درباره ماه مبارک رمضان
۳۷.....	ضمائم

مقدمه استاد آب درمانی:



وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلِّ شَيْءٍ حَيٍّ ۱

با حمد و سپاس بی‌کران ذات مقدس پروردگار عالم حضرت الله که زمین را آفرید که آسمان را آفرید، که آب را آفرید، و آب را مایه حیات قرار داد و حتی انسان را نیز از گل که از امتزاج آب و خاک می‌باشد آفرید و هر جا که آب است حیات هم هست، زندگی و نشاط هم هست و تمام آفریده‌های هستی به آب نیاز دارند و خون که مایه اصلی حیات انسان است نیز ۷۰٪ از آب است و ۳۰٪ از املاح گوناگون می‌باشد و ملاحظه می‌کنید که آب اصل حیات می‌باشد و این آب برای درمان بیماریها هم بسیار مفید است زیرا در داروهای شیمیایی اعم از قرصها، کپسولها، سرمهای گوناگون، آمپولها به نوعی از ترکیبات آب استفاده شده است و گیاهان گوناگون که خواص دارویی دارند باز هم اساس آن گیاهان از آب است و سایر مکاتب درمانی مانند شکوفه درمانی، لجن درمانی، گیاه درمانی، هومیوپاتی، رنگ درمانی نیز محتاج به آب هستند و آب در آن روشهای درمانی نیز وجود دارد و اما علاوه بر همه آن چه بیان شد آب به تنهایی و بدون هیچ ترکیبی

۱- و آب را حیات بخش هر چیزی قرار دادیم. سوره انبیاء آیه ۳۰

با سایر چیزها در درمان بیماریهای بسیار سخت نقش مهمی دارد و برای نظافت جسم از سموم و ذخایری که برای جسم بسیار مضر است تنها راه می‌باشد و آب درمانی شیوه‌ای نوین و بسیار عالی در درمان می‌باشد که این شیوه درمان را جناب آقای علی نقوی پور انجام داده‌اند و از بیماریهایی که مبتلا بودند نجات پیدا کرده‌اند و در حال حاضر در سلامت کامل به زندگی خویش با نشاط ادامه می‌دهند و این کتاب سرگذشت چگونگی انجام آب درمانی توسط ایشان می‌باشد. و اما چگونه امساک از خوردنیها می‌تواند برای سلامت روح مفید باشد و اصولاً چه رابطه‌ای است بین آب درمانی و سلامت روح؟ پاسخ این سؤال را امیر مؤمنان امام الوصی حضرت علی علیه‌السلام بیان فرموده‌اند:

«خُذُوا مِنْ أَجْسَادِكُمْ فَجُودُوا بِهَا عَلَى أَنْفُسِكُمْ.»^۱

«از جسم خود بگیرید و بر جان (نفس) خود بیفزایید.»
یعنی از جسمتان کسر کنید و اگر از جسمتان کم کردید به روحتان افزوده خواهد شد. اصولاً رابطه عجیبی بین روح و جسم انسان وجود دارد و جسم مرکب روح است و اگر جسم سنگین و پرخور و پرخواب و کِسل باشد اثرش بر روی روح معلوم خواهد شد و روح هم کِسل و سنگین و افسرده خواهد بود و نشاط نخواهد داشت و

۱- نهج البلاغه - خطبه ۱۸۳

برعکس اگر جسم سبک و کم خور و کم خواب و با نشاط باشد، روح نیز با نشاط و قوی خواهد شد و لذاست که تمام کسانی که می‌خواهند از روحی قوی و اراده‌ای مصمم برخوردار باشند باید ریاضت‌ها را تحمل نمایند و روح را از قیود مادی برهانند تا قدرت واقعی روح انسانی آشکار شود و به همین دلیل یکی از اثرات آب درمانی (علاوه بر درمان بیماریها) این است که هنگامی که جسم انسان از سموم و کثافات انباشته شده رها می‌شود و ظرف وجودی‌اش پاکیزه می‌گردد روح نیز که در کالبد و جسم ساکن است نیز از این پاکی جسم و طهارت جسمانی بهره می‌برد و همانطور که جسم سبک و با نشاط شده است روح نیز سبک و با نشاط خواهد شد و لذاست که می‌گوئیم «آب درمانی راهی به سوی سلامتی جسم و روح» و امیدوارم که خوانندگان این کتاب از سرگذشت کسی که خود را بوسیله آب درمانی از بیماریها نجات داد استفاده و بهره لازم را ببرند و با انجام آب درمانی جسم خود را پاک و از بیماریها نجات داده و به روحشان نیز سلامتی و نشاط و قدرت بدهند. انشاءا...

حسن جلالیان

مقدمه مؤلف

خواننده گرامی این کتاب، شاید تعجب نماید که مگر با آب هم می‌شود بیماریها را درمان نمود، اما تعجب نکنید این کتاب سرگذشت خودم است که مبتلا به چند بیماری بودم و به تشخیص پزشکان از کارافتاده اعلام شده بودم ولی با روش امساک از تمام خوردنیها بجز آب به مدت ۴۰ روز از تمام بیماریهایم نجات یافته‌ام و در حال حاضر در سلامتی کامل مشغول فعالیت و تلاش می‌باشم.

امید است تا خواننده گرامی این کتاب بتواند راهنمایی در جهت نجات خویش از بیماریها با این روش بیابد و نسبت به سلامت خویش بدون استفاده از داروهای شیمیایی که سم مهلک هستند و اعمال جراحی که عوارض زیانباری برای جسم انسان به همراه دارند بیشتر دقت نماید.

لازم می‌دانم از استاد آب درمانی جناب آقای حسن جلالیان که مقدمه‌ای بر این کتاب تنظیم نموده‌اند کمال تشکر و سپاس‌گذاری را داشته باشم.

آدرس پست الکترونیک جهت مراجعه بیماران و درمان با روش آب درمانی:

Shafa_gar@yahoo.com

gar.shafa@Gmail.com

علی نقوی پور

بیماریهایی که با آب درمانی درمان می‌شوند:

- ۱- روماتیسم
- ۲- نقرس
- ۳- استسقاء
- ۴- ریزش موهای سر
- ۵- بالا بودن چربی خون
- ۶- دیابت
- ۷- ضعف اعصاب
- ۸- سینوزیت مزمن
- ۹- چاقی مزمن
- ۱۰- ناراحتی‌های کلیه و کبد
- ۱۱- انواع بیماریهای گوارشی
- ۱۲- انواع بیماریهای پوستی
- ۱۳- انواع سرطانها
- ۱۴- پیری زودرس
- ۱۵- دیسک کمر
- ۱۶- آرتروز
- ۱۷- پاکسازی عمیق جسم از تمام سموم
- ۱۸- یبوست مزمن
- ۱۹- دردهای مزمن ستون فقرات
- ۲۰- بواسیر

۲۱- ضعف عمومی بدن

۲۲- انواع دملها و زخمهای عفونی

۲۳- آسم

۲۴- گواتر

۲۵- تصلب شراین

۲۶- پروستات

۲۷- میگرن

و سایر بیماریها

مراحل ۳ گانه آب درمانی و شرح حال:

۱- مرحله اول:

از ۷۷/۳/۲۵ الی ۷۷/۴/۸

مدت ۱۵ روز

۲- مرحله دوم:

از ۷۷/۴/۲۶ الی ۷۷/۶/۶

مدت ۴۳ روز

۳- مرحله سوم:

از ۷۹/۳/۴ الی ۷۹/۳/۲۴

مدت ۲۱ روز

مرحله اول آب درمانی ام:

اینجانب علی نقوی پور که در حال حاضر ۵۷ ساله هستم از سن سی و پنج سالگی مبتلا به کمردرد و در تهران مشغول به شغل رویه‌کوبی مبل بودم و به دلیل همین شغل وضعیت کمردرد بنده روز به روز وخیم‌تر و شدیدتر می‌شد تا اینکه به مدت دو سال از ادامه فعالیت در شغل رویه‌کوبی مبل ناتوان گشتم و امور کارگاه را به شاگردهایم و به همکارانم سپردم و برای درمان دردهایم به چندین پزشک ارتوپد و متخصص مغز و اعصاب مراجعه کردم و انواع داروها را مصرف نمودم و به روشهایی مثل انواع نرمشها که پزشکان توصیه می‌کردند و فیزیوتراپی عمل نمودم ولی هیچ نتیجه‌ای نگرفتم و برعکس وضعیتم بدتر و دردهایم شدیدتر می‌شد و فعالیت‌هایم بسیار محدود شده بود و یکی از اطباء و متخصصین مشهور در رشته ارتوپد بنام آقای دکتر علی محمدی پس از معاینه و عکس MRI اینجانب تشخیص ۷۰٪ از کارافتادگی را داد و ضمناً در همدان نیز به سه متخصص آقای دکتر قدیری متخصص مغز و اعصاب و دو متخصص دیگر مراجعه نمودم و همگی اینان نیز برایم از کارافتادگی را تشخیص دادند، ولی به مدت کوتاهی درد کتف‌هایم نیز به آن اضافه شد و

در ابتدا کتف راستم شروع به درد نمود و سپس کتف چپم نیز شروع به درد نمودن کرد و گویا تمام مفاصلهای مهم بدنم را یکی پس از دیگری داشتم از دست می‌دادم، یک شب خواب راحت نداشتم و به پهلوی راست و چپ می‌خوابیدم کتفهایم درد می‌گرفت و موقع خواب دو عدد پستی زیر پایم می‌گذاشتم تا شاید یک ساعت بتوانم به خواب راحت بروم و حتی یک کیف دستی را نیز نمی‌توانستم حمل نمایم و وضعیت بسیار دردناکی داشتم و از زندگی دست کشیده بودم و دیگر نمی‌توانستم خانواده‌ام را اداره کنم و دیگر نمی‌توانستم فکر بکنم تا اینکه پسر بزرگم آقای حسین نقوی‌پور به من گفت که پدر، شما فقط یک راه دارید و آنهم آب درمانی است یعنی هیچ غذایی نخوری و تنها آب بخوری و من هم شروع به این عمل نمودم یعنی هیچ غذایی نخوردم بجز آب و در شب سوم آب درمانی درد کتفم افتاد و یک نتیجه عملی از آب درمانی را دیدم و من که پیش از آب درمانی در موقع خواب دو پستی در زیر پاهایم می‌گذاشتم در شب چهارم دیگر آن پستی‌ها را نگذاشتم و کمی درد کمرم بهتر شده بود.

مرحله اول امساک به مدت پانزده روز طول کشید.

ولی کتاب آب درمانی الکسی سوفورین بدستم نرسیده بود و بعد از پانزده روز امساک را قطع و شروع به خوردن نمودم تا اینکه کتاب آب درمانی دانشمند بزرگ الکسی سوفورین بدستم رسید و آن را مطالعه کردم و دیدم این روش بهترین و ارزانترین مداوای بیماریها را به ما یاد می‌دهد و لذا بشدت به این موضوع علاقمند شدم و این کتاب بسیار کم‌یاب بود.

و این موضوع چندان رایج نبود به هر حال به سرعت کتاب آب درمانی را مطالعه کردم و چکیده این کتاب این است که: «اگر میکروب و سلولهای مریض در بدن نباشد انسان از سلامتی کامل برخوردار خواهد بود و برای دفع سموم داخل بدن که در محللهای بسیار حساس انباشته شده‌اند مانند اطراف قلب، کلیه‌ها، کبد، روده‌ها و غیره تنها راه، نرساندن غذا به بدن به مدت ۴۰ روز است و در این مدت تنها باید آب بخورد و چون هیچ غذایی به معده نمی‌رسد، معده مجبور خواهد شد که تمام سموم و آلودگیهای موجود را بسوزاند و به خارج هدایت نماید.

کتاب آب درمانی را که مطالعه کردم از عمق قلبم به آن عقیده پیدا نمودم و احساس لذت و شادی نمودم متوجه شدم برخی بیماران وضعی بسیار وخیم‌تر از من

داشتند و با امساک خود را معالجه نموده بودند و این میل و رغبت را در من چندین برابر کرد.

بیماریهایی که داشتم:

۱- سینوزیت کهنه

۲- ناراحتی اعصاب

۳- ناراحتی کبد

۴- ضعف بینایی

۵- کمردرد - که به قول دکترها مهره‌های ۴ و ۵ از

بین رفته بودند.

۶- درد زانو

۷- درد کتف

۸- چربی خون

۹- سنگینی معده

۱۰- نامنظمی خواب

که با این روش همه این بیماریها بهبود یافت. شما نیز می‌توانید این روش را امتحان کنید و به اعجاز پی ببرید. مرحله اول را از تاریخ ۷۷/۳/۲۵ شروع کردم تا تاریخ ۷۷/۴/۸ تمام شد در این مدت از مواد قندی و چای کم رنگ و آب میوه به مقدار کم استفاده نمودم تا بدنم به آب درمانی عادت نماید.

مرحله دوم آب درمانی ام:

مرحله دوم امساک در تاریخ ۷۷/۴/۲۶ شروع شد تا تاریخ ۷۷/۶/۶ بمدت ۴۳ روز و در این مدت چیزی جز آب نمی‌خوردم البته در مواقعی که احساس ضعف یا سرگیجه برایم پیش می‌آمد یک لیوان چای کم رنگ با یک حبه قند می‌نوشیدم ولی از روزهای سی‌ام آب کمتری می‌نوشیدم تقریباً روزی ۳ لیتر آب می‌نوشیدم و در این ایام معلوم شد که سلامتی روز به روز بیشتر به سراغم می‌آید ولی احساس ضعف و ناتوانی داشتم و گاهی هم سرگیجه داشتم این بخاطر آن بود که فشارم پائین بود. ناگفته نماند در زمان آب درمانی تنقیه را هم انجام می‌دادم و این عمل ضروری است و بهبودی را نزدیک می‌کند از روز دهم مرحله دوم امساک احساس کردم که کمردرد بکلی از بین رفت همان کمردردی که سالها از آن در رنج بودم و همچنین سینوزیت کهنه هم نابود شد. درد زانوهایم بطور کلی برطرف گردید و در زیر پوست پیشانیم چند عدد غده چربی به اندازه یک عدس بیرون آمده بود. بعضی موقع هم درد می‌کرد که از آنها اثری باقی نماند. درباره تنقیه توضیح بدهم که این عمل سمومی که کف روده بزرگ قرار گرفته است را به خارج هدایت می‌کند تنقیه بدین شکل بود که در حمام یک لیتر و یا یک لیتر و

نیم آب نیمه داغ را بوسیله پُوار تنقیه (که وسیله مخصوص تنقیه می‌باشد) وارد روده‌ها می‌کردم و بر اثر تنقیه مواد سیاه‌رنگ بیرون می‌آمد و با این وسیله هم از خشک شدن روده‌ها جلوگیری می‌کردم و هم اینکه مقداری از سموم را از کف رود بزرگ دفع می‌کردم و همچنین آب را به اعماق روده‌ها هدایت می‌کردم. این عمل برای رفع سرگیجه بسیار مؤثر است. من پس از هر بار انجام عمل تنقیه احساس نشاط و راحتی می‌کردم. عمل تنقیه را داخل حمام در حالتی شبیه سجده انجام می‌دادم. در این مدت که مشغول آب درمانی بودم اخلاطی از زبانم خارج می‌شد که به ۳ رنگ بودند رنگ سفید - زرد - مشکی و این اخلاط از روز دوازدهم امساک شروع به بیرون آمدن از دهان کرد. روز سی و هشتم از امساکم اخلاط روی زبانم کم شده و دور زبانم کاملاً سرخ شده بود و احساس کردم که به پایان امساک نزدیک می‌شوم روزهای آخر امساکم چندین شب تا به صبح بیدار ماندم و از گلو و زبانم اخلاط و کثافات فراوانی بیرون می‌آمد و خوشحال بودم که این مواد سمی کثیف را از بدنم خارج کردم بعضی شبها تا صبح مقدار زیادی اخلاط کثیف از دهانم بیرون می‌آمد و در این مورد از چایی و آبلیمو کمک می‌گرفتم و عمل

قرقره و شستشوی دهان را با آلبیمو و نمک نیز انجام می‌دادم.

یک اشتباه:

در روز سی و دوم اشتباهاً خیال کردم که زبانم سرخ شده و دکتر که به منزل ما آمد به همسر من گفت که من باید افطار کنم و من هم تصمیم به قطع آب درمانی گرفتم این تصمیم بیشتر به دلیل معاینه پزشک بود که فشار خونم را اندازه گرفت و اعلام کرد فشارم ۷ درجه است لذا تصمیم گرفتم که غذا بخورم البته پسرم می‌گفت هنوز وقت افطار نشده و باید اشتهایت به غذا کاملاً باز شود ولی من پنداشتم که چون زبانم کاملاً سرخ شده می‌توانم غذا بخورم. لذا یک لیوان چای با شکر و یک استکان آب انار میل کردم ولی اشتباه کردم و نیم ساعت بعد دوباره روی زبانم سفید شد خیلی پشیمان شدم ولی دیگر سودی نداشت دوباره آب درمانی را ادامه دادم. این اشتباه ۳ روز از امساک بنده را به تأخیر انداخت. پس بعد از سرخی زبان باید صبر کرد تا اشتها کاملاً باز شود و سپس افطار نمود. ناگفته نماند از تنقیه کردن در این مدت سود فراوان بردم و روزهای آخر امساکم تازه راه تنقیه کردن را یاد گرفتم و هر شب دو لیتر آب نیمه داغ تنقیه می‌کردم این عمل را روزی ۲ بار انجام می‌دادم و تعداد ۳۰ الی ۴۰ عدد مشکی

و سیاه رنگ کوچک و بزرگ از رودهایم بیرون می‌آمد و توانایی راه رفتن نداشتم و حتی نماز را نشسته می‌خواندم و فشارم به ۶ رسیده بود ولی هنوز زبانم سرخ نشده بود آنقدر فشارم پائین آمده بود که وقتی بلند می‌شدم سرم گیج می‌رفت و حتی موقع رفتن به حمام هم یک نفر همراهم می‌آمد و مراقبم بود صبرم تمام شده بود هیچ فکر نمی‌کردم. امساک من اینقدر طولانی شود در روزهای ۴۱ و ۴۲ هنوز زبانم کاملاً سرخ نشده بود و روی زبانم یک خط باریک زرد رنگ دیده می‌شد که به طرف جلوی زبانم به شکل نیزه مشخص بود. در این مدت از دهانم مواد لزج و کشدار بیرون می‌آمد. روز ۴۳ احساس کردم که ضعف شدیدی دارم و معده‌ام سوزش می‌کند و سقف دهانم تیغ تیغ شده بود و حالم دگرگون می‌نمود. تصمیم گرفتم که افطار کنم با یک لیوان آب انگور و مدتی بعد هم یک لیوان قهوه همراه با مقداری شکر با هم مخلوط کردم و آن را نوشیدم و در هنگام عصر مقداری سوپ جو میل کردم در این زمان احساس می‌کردم که تمام سموم و کثافات از درونم خارج شده و تازه به دنیا آمده‌ام.

البته لازم است که اقرار کنم موقع افطارم هنوز اشتهایم شدیداً باز نشده بود چون کثافات اندرونم باقی مانده بود و سلولهای بدنم و جسمم آزاد نبود تا اشتهایم

بطور کامل باز شود و البته چند ساعت بعد از افطار کم کم میل به غذا شدید شد و من گمان می‌کردم که روزه را کاملاً به پایان رسانده‌ام اما ۳ روز بعد از افطارم اتفاقی افتاده که متوجه شدم که اگر یک روز دیگر هم صبر می‌کردم تمام اشتهایم باز می‌شد و لازم بود که کمی بیشتر صبر می‌کردم تا بطور کامل اشتهایم باز شود. در این هنگام بود که به اشتباه خود پی بردم و پشیمان شدم زیرا کثافات و سموم جسمم تمام نشده بود و باقیمانده کثافات به درونم بازگشته بود ولی به هر حال این مرحله از امساک ۴۳ روز طول کشید و من از این امساک سودی فراوان بردم و تمام بیماریهایم که سالها از آنها در رنج بودم خوب شدند و از آن همه ناراحتی نجات یافتم و به سلامتی کامل رسیدم و خواب راحت و اعصاب راحت یافتم و قبل از این عمل صبح‌ها به هیچ وجه نمی‌توانستم از جایم بلند شوم و درد کمرم بسیار شدید بود ولی بعد از آب درمانیم قبل از اذان صبح بیدار می‌شدم. لازم به ذکر است که در پایان امساک وزنم به ۴۵ کیلوگرم رسید که قبلاً ۷۰ کیلو بودم. یعنی ۲۵ کیلو از وزنم کم شده بود و بعد از چهار روز که شروع به خوردن غذا نموده بودم وزنم به ۵۲ کیلو رسید یعنی در مدت ۳ شبانه روز بیش از ۷ کیلو به وزنم اضافه شد. ناگفته نماند که وزن انسان در موقع آب درمانی کم

می‌شود و این وزن از دست رفته پس از شروع به خوردن غذا به سرعت برمی‌گردد ولی باید مراقب باشد تا از وزن ایده‌آل تجاوز نکند و در خوردن غذاها افراط نکند و دوباره سموم را وارد بدنش ننماید.

این روش کوچکترین کمبودی و عارضه‌ایی در سلامتی ایجاد نمی‌کند بلکه ضمن سلامتی شخص را در مناسب‌ترین شرایط جسمی و روحی قرار خواهد داد.

امروز روز پنجم افطار من است و نیروی جدیدی در خودم احساس می‌کنم و دیشب شام کامل خوردم و خوابیدم ولی ساعت ۳ بعد از نیمه شب از گرسنگی بیدار شدم و حس کردم که اشتهای شدیدی به غذا دارم.

همچنین پس از اینکه شروع به خوردن غذا کردم تمام بدنم شروع به خارش لذت‌بخشی نمود مخصوصاً در سر و صورتم و دائماً دوست داشتم که بدنم را بخارانم و احساس کردم که گویا پوست جدیدی بر تنم می‌روید از دست خارش بدنم بعد از نماز صبح هم میل به خواب نداشتم و دلم می‌خواست پیاده‌روی کنم بنابراین صبح زود از خانه بیرون می‌رفتم و به بهانه تهیه شیر و نان برای صبحانه منزل حدود یک ساعت در هوای آزاد قدم می‌زدم و در همین ایام هوس سیب‌زمینی کردم با خود گفتم که یک دوش آب گرم بگیرم و بعد غذای سیب‌زمینی را بخورم.

همین کار را انجام دادم و غذای سیبزمینی را با روغن زیتون خوردم چقدر لذت بخش بود.

لازم به تذکر است که مایل نبودم در هنگام حمام نمودن از حمام بیرون بیایم و دلم می خواست چند ساعت زیر دوش آب گرم بدنم را ماساژ بدهم ولی به دلیل مشغله کاری فرصت نداشتم و آن روز که هوس خوردن سیبزمینی را نموده بودم بعد از بیرون آمدن از حمام با اینکه ۳ عدد سیبزمینی با مقدار قابل توجهی نان و گوجه خوردم هنوز اشتهای خوبی داشتم و مقداری هم خربزه با اشتها و رغبت شدید خوردم و برای اینکه به خودم ضرری نزنم از اضافه خوردن امتناع کردم در حالیکه میل داشتم یک خربزه متوسط را بطور کامل بخورم و عجیب اینجاست که با وجود اینکه غذاهای متنوعی خوردم ولی به وزنم چیزی اضافه نشد البته انرژی درونیم با دیروز قابل قیاس نبود و بسیار سرحالتر و نیرومندتر شده‌ام ولی هنوز در بالا رفتن از پله‌ها مشکل داشتم.

در روز ششم افطارم (۷۷/۶/۱۳) احساس حرکاتی خاص در پوست بدنم داشتم بطوری که احساس می‌کردم ضخیم‌تر شده و ظاهراً نیز کمی تیره‌تر گردیده است و اشتهایم به غذا بسیار شدیدتر شده بود و فشار خونم رو به افزایش یافتن بود وزنم به کندی اضافه می‌شد. ۵۲/۵ کیلو

وزن داشتم و نسبت به روز قبل کمتر از نیم کیلو اضافه کرده بودم ولی نیروی بدنیم بشدت افزایش یافته بود ولی هنوز در بالا رفتن از ارتفاع مشکل داشتم و نیروی مغناطیسی‌ام ضعیف شده است.

در هفتمین روز افطار باز هم از دهانم اخلاط می‌آید و وزنم ۵۳/۵ کیلو بود ولی باز هم در بالا رفتنم ضعف داشتم ولی راه رفتنم خوب بود در روز نهم احساس می‌کردم نیروی مغناطیسی من قوی شده بود و همچنین اشتهایم به غذا خیلی بیشتر شده بود و روزی ۴ بار غذا می‌خوردم و در این زمان وزنم به ۵۵ کیلو رسیده بود.

در روز یازدهم بعد از افطار (۷۷/۶/۱۷) هنوز بالا رفتن از پله‌ها و یا سربالایی برایم مشکل بود و وزنم به ۵۵/۷۰۰ کیلوگرم رسیده بود و در این روز تصمیم گرفتم که به استخر بروم و شنا کنم و همین کار را هم کردم و در داخل استخر حالم خیلی خوب بود و لذت فراوانی بردم ولی هنگامی که از استخر بیرون آمدم بدنم مثل بید می‌لرزید چون که حرارت بدنم پائین بود و لذا رو به آفتاب نشستم و حالم بهتر شد و همچنین نیروی مغناطیس من کمی بهتر شده بود شب‌ها موقع خوابیدن یک قطره روغن زیتون در چشمم می‌ریختم و فردا صبح با آبلیمو و چایی چشمم را شستشو می‌دادم.

در شانزدهمین روز پس از افطارم بود که وزنم به ۵۷ کیلو رسید و نیروی مغناطیسی‌ام بهتر شد ولی شب‌ها ۲ بار از خواب بیدار می‌شدم و سر و صورتم آنقدر خارش لذت‌بخشی داشت و هر چقدر مالش می‌دادم سیر نمی‌شدم و با خوشحالی می‌خوابیدم و هر روز یکبار حمام می‌رفتم و با آب گرم بدنم را مالش و شستشو می‌دادم و حس می‌کردم که نیروی تازه‌ای به بدنم وارد می‌شود و می‌توانستم از پله‌ها بالا بروم و همچنین بدوم.

روزی ۶ وعده غذا می‌خوردم باز هم سیر نمی‌شدم و خواب منظمی داشتم تا قبل از آب درمانی کم‌درد و کتف درد و زانودرد داشتم و تا صبح خواب نداشتم اما حالا قبل از اذان صبح بیدار می‌شوم و آنقدر لذت‌بخش است که خدا می‌داند و همچنین من قبل از آب درمانی چشمم ضعیف بود و شماره عینک من ۱/۷۵ بود و رانندگی را با عینک انجام می‌دادم ولی بعد از آب درمانی شعری را که قاب کرده و در دیوار منزل خودم زده بودم به راحتی بدون عینک می‌خواندم. به پزشک متخصص چشم مراجعه کردم ایشان گفتند شما عینک احتیاج ندارید و فقط عینک مطالعه برایم تجویز نمود که هنگام مطالعه آن را به چشمم می‌زنم.

در ایام پس از اتمام آب درمانی مرحله دوم همیشه غذا را با سیر و پیاز می‌خوردم و حس می‌کردم که بقیه سموم بدنم که در اعماق جسمم باقی مانده بود موقع خوردن غذا بخاطر استفاده از سیر و پیاز از دهانم خارج می‌شدند. خانواده‌ام ناراحت بودند و می‌گفتند که شما چرا اینقدر سیر می‌خوری ولی من مانند زمان آب درمانی از مذمت خانواده‌ام اراده‌ام ضعیف نمی‌شد و با صبر و حوصله ادامه می‌دادم و زمانیکه سیر مصرف می‌کردم سموم و کثافات در بدنم حرکت می‌کرد و این بخاطر آن بود که سموم بدنم کهنه بود و با این سیر خوردن دفع می‌شد.

البته این عمل آب درمانی به هیچ وجه جای روزه ماه مبارک رمضان را نمی‌گیرد. بلکه آن یک ماه روزه را خداوند بر ما مسلمانان واجب گردانیده است و کسانی که جسمشان مبتلا به بیماری خاصی است اگر آن یک ماه مبارک رمضان را روزه بگیرند و در موقع افطار و سحر زیاد غذا نخورند و بپرهیزند از غذاهای سنگین و به کم خوری قناعت کنند همان یکماه هم بسیاری از سموم بدن را دفع می‌نماید و لذا وقتی یکماه روزه‌داری به پایان می‌رسد طراوت و نشاطی خاص به انسان دست می‌دهد و ما خدای بزرگ را سپاسگزاریم که به ما مسلمانان دستور روزه‌داری با همه فوائد جسمی و روحی‌اش را داده است.

و اما اثر آب درمانی بر موهای سر و صورت، قبل از شروع به آب درمانی موهای سرم ۴۰٪ سفید شده بودند و تمام موهای صورت سفید شده بودند و بعد از مرحله دوم آب درمانی که به مدت ۴۳ روز به طول انجامید ۵۰٪ موهای صورت مشکلی شده‌اند و موهای سرم ۸۰٪ مشکلی شدند وزنم به ۶۲ کیلو رسیده بود و از همین وزن لذت می‌بردم و سعی می‌کردم که وزنم از این مقدار بالاتر نرود و سعی می‌کنم همیشه نصف غذا را میل کنم و شما هم خودتان را آزمایش کنید و نصف غذا را میل نمائید و بعد خودتان را از سر سفره کنار بکشید و ۱۰ دقیقه دیگر بطور کامل سیر خواهید شد دو ساعت دیگر معده شما علامت سلامتی را اعلام می‌کند خواهش می‌کنم معده را با غذاهای گوناگون سنگین نکنید و انسان باید شهامت دو چیز را بدست آورد: ۱- غذاهای گوناگون و پرچرب نخورد ۲- نصف غذا را میل نماید دستگاه هاضمه انسان مثل دستگاه اتوماتیک می‌باشد. اندازه خودش غذا را هضم می‌کند و الباقی غذای اضافی را در زیر پوست و اطراف قلب و کلیه‌ها و کبد و جاهای دیگر ذخیره می‌شود و بدین شکل جسم انسان کثیف می‌شود یا سنگین هنگامی که جسم پر از سموم و کثافات شد آنگاه انواع مرضها به انسان رو می‌آورد.

مرحله سوم آب درمانی ام:

این مرحله از آب درمانی را در تاریخ ۷۹/۳/۴ شروع کردم. تا تاریخ ۷۹/۳/۲۴ بمدت ۲۱ روز در روز چهارم آب درمانی، ادرارم رنگ غلیظی داشت و روی زبانم سفید شده بود و از دهانم اخلاطی خارج می‌شد روز چهارم تنقیه را شروع نمودم با این کار احساس آرامش به من رخ می‌داد ولی امان از سرزنش خانواده‌ام که به من می‌گفتند دوباره می‌خواهی قیافهات مثل معتادها بشود و من هم با حوصله هیچ جوابی نمی‌دادم و ساکت بودم و از روز پنجم روی زبانم زرد رنگ شد و در روز ششم توانایی نداشتم که کار روزانه‌ام را انجام بدهم چون که به شغل مبیل‌سازی مشغول هستم و هم به شغل ایزوگام و باید به این دو شغل مدیریت نمایم و با این وضعیت مشغول مرحله سوم آب درمانی بودم از یک طرف بی‌حالی و از طرف دیگر جواب مردم را باید می‌دادم و در کار ایزوگام بر روی پشت بام نظارت می‌کردم.

در روز هفتم آب درمانی چون فعالیت روزانه‌ام زیاد بود سعی کردم یک لیوان آب با قند مصرف کنم با یک دانه بادام شور و همچنین یک لیوان چایی کم رنگ تا بتوانم به کارها و مشاغل روزانه‌ام رسیدگی نمایم و شبها تنقیه را

انجام می‌دادم و این عمل کمک بسیار مؤثر و مفیدی است برای نظافت جسم و سموم مخصوصاً سموم داخل روده‌ها. روز هشتم امساک از مرحله سوم به خودم می‌گفتم خدایا به من اراده‌ای قوی بده خدای بزرگ به من این اراده را داد که مرحله اول ۱۵ روز و در مرحله دوم ۴۳ روز و مرحله سوم ۲۱ روز آب درمانی کردم و من از خدای بزرگ خیلی تشکر می‌نمایم. در این ایام که مشغول آب درمانی بودم همچنان مشغول کار و فعالیت هم بودم و کسانی که می‌خواهند آب درمانی نمایند بهتر است فعالیت نمایند و در منزل ننشینند و استراحت کنند، زیرا هر چقدر فعالیت انسان بیشتر شود جسم کثافات خودش را بهتر و بیشتر به خارج می‌ریزد و بهتر است که کثافات روی زبان را مرتب پاک نمائید و آب دهان همراه با خلط را به درون فرو ندهید بلکه آن را مرتب تخلیه نمائید چون آن اخلاط تماماً سموم بدن هستند که از راه دهان خارج می‌شوند و این کار پاکسازی روی زبان را به وسیله زبان پاک کن در داروخانه موجود است و می‌توانید بوسیله قاشق مرباخوری یا مسواک نرم به آرامی بر روی زبان از انتهای حلق به سمت جلو بکشید و با این کار سموم انباشته شده بر روی زبان کثافات سفیدرنگ را به راحتی بیرون بریزید و تخلیه نمائید. در روز دهم امساکم روی زبان زرد رنگ و غلیظ شده بود و با یک لیوان چای و نمک و چند قطره آب غوره

یا آب لیمو که آنها را حل می‌کردم روی زبانم قرقره می‌کردم و اخلاط را از دهانم بیرون می‌ریختم بدینوسیله زبانم برای مدتی تمیز و پاک می‌شد تا دوباره کثافات و سموم بر روی زبانم جمع شود در این روز خودم را وزن نمودم. از ۶۲ کیلو به ۵۶ کیلو رسیده بود که تقریباً ۷ کیلو کم کرده بودم.

روز هفدهم شب ساعت ۱۱ به حمام رفتم و بار دیگر تنقیه را انجام دادم و مقدار زیادی از کثافات به این وسیله خارج شدند احساس راحتی و نشاط می‌کردم.

روز بیستم فشار خونم ۸ درجه بود ولی هیچ مشکلی نداشتم و کار روزانه‌ام را انجام می‌دادم فقط کمی بی‌حال بودم ولی اگر امساک کننده این مقدار بی‌حالی را تحمل نکند نمی‌تواند دشمن داخلی بدن را خارج نماید و خود را بهبود ببخشد.

روز بیست و یکم روی زبانم سرخ شد و میل به غذا پیدا نمودم و لذا این علامات نشان داد که پایان امساک است و باید آب درمانی را قطع نمایم و اما اینکه چرا مرحله سوم ۲۱ روز آب درمانی را قطع نمودم زیرا که قبلاً دو مرتبه سموم بدنم را بوسیله آب درمانی خارج نموده بودم و لذا جسمم زودتر به پاکیزگی رسید و علامت پاکی جسم که همان سرخی زبان و میل به غذا می‌باشد در روز بیست و یکم مشاهده کردم.

نکاتی درباره روزه ماه مبارک رمضان:

قرآن مجید در سوره بقره آیه ۱۸۳ می‌فرماید: ای مؤمنان نوشته شده از برای شما امساک کردن همچنانکه برای امت‌های پیشین نوشته شده شاید پرهیزگار شوید، بدان روزه یگانه وسیله صحت و سلامت بدن و تقویت روح و تکمیل عقل و فکر انسان بوده و هم تنظیم قلب، کبد، کلیه، هاضمه، مغز و اعصاب و کلاً تمام دستگاه‌های انسان و امور جامع را تکمیل می‌کند و از افعال زشت و اخلاق بد کاملاً جلوگیری می‌کند. بزرگان اطباء حتی پزشکان غیرمسلمان هم درباره فوائد طبی امساک یا روزه کتابها نوشته و اعتراف‌ها کرده‌اند و گفته‌اند هیچ دارویی برای بهبود مزاج انسان بهتر از روزه گرفتن نیست زیرا چنانکه رسول‌خدا فرموده المعده بیت کل داء: معده خانه هر دردی است و بسیاری از مرضها ناشی از پرخوری و شکم چرانی می‌باشد.

و پرهیز کردن و کم خوردن سرآمد هر دارویی خواهد بود حکماء گفته‌اند هفتاد و چند نوع از مریضی‌ها در اثر بی‌ملاحظه‌گی در غذاها و زیاده‌روی در خوردن و آشامیدنست و بهترین راه جلوگیری از این امراض همانا امساک و کم خوری و مخصوصاً روزه گرفتن می‌باشد بشرطی موقع افطار در خوردن زیاده‌روی نکنید یکی از

پزشکان مسیحی گوید روزه گرفتن جوانی را برمی گرداند و پیری را جواب می گویند و علت مطلب آنست که معده در اثر غذاهای بیش از مورد نیاز تنبل می شود و احتیاج به استراحت دارد وقتی در طول سال یکماه مبارک رمضان روزه گرفت این عمل در تقویت و تجدید نیروی معده بسیار نقش مؤثری را عهده دار خواهد بود دیگر از فوائد روزه آنست که وقتی انسان در اثر روزه گرفتن گرسنه شد طعم گرسنگی را می چشد و بحال گرسنگان آشنا می شود در نتیجه شفقت و مهربانی او نسبت به هم نوع خود تحریک می گردد و در فکر کمک بحال بینوایان و مستمندان خواهد افتاد.

که سعدی می گوید:

بنی آدم اعضای یکدیگرند

که در آفرینش ز یک گوهرند

چو عضوی ببرد آورد روزگار

دگر عضوها را نماند قرار

تو کز محنت دیگران بیغمی

نشاید که نامت نهند آدمی

مخصوصاً در روز آخر رمضان و شب عید فطر که بخاطر

سلامتی خود و خانواده فطریه به فقیران می پردازد اینهم از

فوائد اجتماعی و اخلاقی روزه بشمار می‌رود که در محل خود بطور مفصل و کامل بیان شده است.

تأثیر روزه در پاکدامنی و عفت

چون روزه‌دار مدتی خود را از خواهشهای نفسانی دور می‌کند تدریجاً حالت تصمیم و اراده در وجود او پدید آمده می‌تواند از جمیع خواسته‌های خود که احیاناً برای او زیان‌بخش می‌باشد چشم‌پوشد و حالت حیوانیت و بهیمیت از او سلب شده کم‌کم بحال ملکوت و فرشتگان نزدیک می‌گردد زیرا انسان از صفات این دو دسته ترکیب شده و می‌تواند در اثر اطاعت عقل از مقام ملائکه هم بالاتر رود و می‌تواند در اثر فرمانبرداری شهوت از حیوانات هم پست‌تر باشد.

حتی کار بجایی می‌رسد که زبانش نیز روزه‌دار خواهد بود چنانکه پیغمبر اکرم (ص) می‌فرماید روزه بمنزله سپری است در برابر هدفها و ضربه‌های شیطان پس هرگاه یکی از شما روزه گرفت، سخن زشت و بد نگوید و نادانی نکند و اگر کسی با وی مجادله نماید یا او را فحش بدهد در جواب بگوید من روزه‌دار می‌باشم و بالاخره گرسنگی بهترین راه برای دفاع از حملات اهریمن است و غضب و شهوت را تسکین می‌دهد و شیطنت و درندگی را تخفیف می‌بخشد لذا رسول‌خدا فرمود بدرستی که شیطان در

مجاری وجود بنی آدم مانند خون در رفت و آمد است پس راه را تنگ کنید بر او بوسیله گرسنگی و در حدیث دیگری فرمود ای گروه جوانان اگر می‌خواهید از شر شیطان و گناهان در امان باشید ازدواج کنید و همسر شایسته‌ای انتخاب نمایید تا به زنا و سایر معاصی دچار نشوید و اگر وسیله ازدواج برای شما فراهم نیست روزه بگیرید که روزه گرفتن ریشه شهوات را سست می‌کند و از شدت آن می‌کاهد.

شرایط روزه‌دار بودن حقیقی

در لابلای معارف اسلام مطالبی بچشم می‌خورد که میرساند روزه دو گونه است:

روزه ظاهری و روزه باطنی اما روزه ظاهری امساک و اجتناب از خوردن و آشامیدن و جماع کردن و سر زیر آب فرو بردن و دروغ بر خدا و پیغمبر و امام بستن و بحالت جنابت عمداً تا صبح ماندن و امثال آنهاست ولی روزه باطنی و حقیقی که مرتبه کمال و نهائی این عبادت بزرگ است در احادیث شریفه بطرز ذیل بیان شده است امام صادق (ع) فرماید: «وقتی روزه می‌گیری باید گوش و چشم و موی و بدن و پوست سر و قسمت هم روزه‌دار باشد. و در روزه ماه رمضان مانند سایر روزها نباشی.»

«امام صادق (ع)»

فرمود: در حال روزه چشم و زبان را از حرام بیوش و رسولخدا (ص) فرمود زنی در حال روزه بود کنیز خود را فحش می‌دهد آن حضرت غذای فراهم ساخت و به آن زن فرمود بخور عرض کرد روزه‌ام پیغمبر فرمود: چگونه روزه‌ای در حالیکه کنیز خود را فحش دادی روزه فقط اجتناب از طعام و آشامیدن نیست.

باز امام صادق (ع) فرمود در حال روزه نزاع و جدال با یکدیگر نکنید و حسد نورزید و بایستی وقار و متانت شخصی صائم از سراپای شما نمایان باشد. رسول خدا (ص) فرمود: اگر کسی در حال روزه شنید دیگری به او سخن زشتی می‌گوید در جوابش سلام کند و بگوید من مانند تو عمل نمی‌کنم من روزه‌دارم.

در کتاب دعائم الاسلام

امام ششم نقل نموده که فرمود روزه نیست برای کسی که امام خود را نافرمانی کند و برای بنده‌ای که از آقا و مالک خود بگریزد تا آنکه برگردد و روزه‌ای نیست برای زن ناشزه که اطاعت شوهر خود را نکند مگر آنکه توبه کند و روزه‌ای نیست از برای فرزندی که عاق پدر و مادر باشد تا آنها را راضی سازد و در کتاب فقه رضوی از امام هشتم علیه‌السلام است که فرمودند اجتناب کنید از غیبت مؤمن.

قرآن کریم سوره حجرات آیه ۱۲ می‌فرماید: اِثْمٌ وَّ لَا تَجَسَّسُوا وَ لَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا اِيْحَبُّ اِحْدِكُمْ اَنْ يَّاْكُلَ لَحْمَ ... ، و نیز هرگز از حال درونی هم تجسس نکنید و جاسوس بر احوال خلق برمگمارید و غیبت یکدیگر را روا مدارید. آیا دوست میدارید گوشت برادر مرده خود را بخورید؟ توبه کنید خداوند بسیار توبه‌پذیر است.

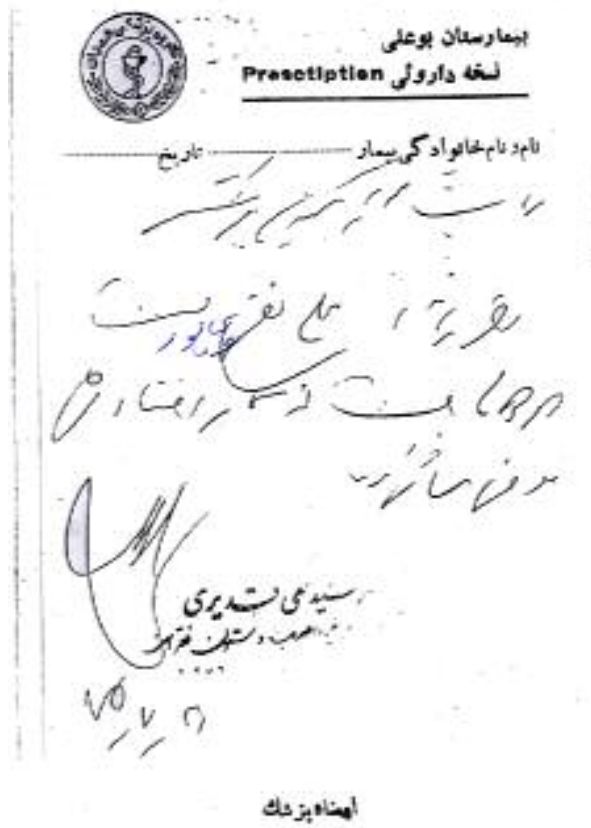
این عمل‌ها روزه را باطل می‌کند و شخص فاجر و گنهکار روزه‌ای ندارد شرابخوار و قمارباز روزه‌شان قبول نیست.

در کتاب مصباح الشریعه از امام صادق (ع) منقولست که فرمود: خدای تبارک و تعالی فرماید روزه از برای منست و من خودم جزای صائم خواهم بود بعضی از بزرگان علماء می‌فرمایند اینکه خداوند می‌فرماید روزه از برای منست علت آنست که هر عبادتی قابل ریا هست مگر روزه که باید با نیت قلبی انجام گیرد و صرف نخوردن و نیاشامیدن نیست و اگر کسی را در محلی حبس کنند و یکماه روزها را به او غذا ندهند روزه‌دار نخواهد بود لذا اگر کسی نیت روزه را در قلب داشته باشد غیر از خدا کسی اطلاع از قلب ندارد پس این مزیت برای خصوص روزه است.

بعد خداوند می‌فرماید من جزای روزه‌دار هستم یعنی هر عبادتی جزای مخصوصی دارد از درجات رفیعه بهشت و غرفه‌ها و حورالعین و شربت‌ها و لباسهای فاخر بهشتی. اما جزای روزه‌دار فقط خود خدا خواهد بود همانا مقام رضوان و رضای پروردگار باشد.

ضمانتہ

ضمیمه شماره ۱



گواهی از کارافتادگی آقای علی نقوی پور که پیش از انجام آب درمانی توسط جناب آقای دکتر سید علی قدیری (متخصص مغز و اعصاب و ستون فقرات) صادر شده است. مربوط به تاریخ ۷۵/۷/۲۱

ضمیمه شماره ۲



روز بیستم آب
درمانی که سموم
بدن از زبان خارج
می شود



روز سی و ششم آب درمانی

دو ماه پس از
اتمام آب درمانی
(مرحله دوم)



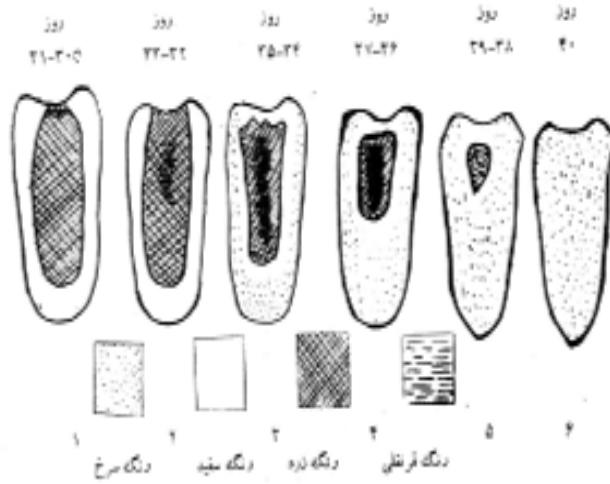
ضمیمه شماره ۳



گواهی ۷۰ درصد از کارافتادگی آقای علی نقوی پور پیش از انجام آب درمانی که توسط جناب آقای دکتر علی محمدی صادر شده است.

ضمیمه شماره ۴

شرح قبایط زبان و تعبیراتی که برای آن در دهه آخر پیدا می‌شود.



ضمیمه شماره ۵

بیمار ۵۰ ساله همدانی با آب درمانی بهبود یافت

همدان - خبرنگار کیهان
بیمار ۵۰ ساله‌ای که از
درد کمر، دیسک، گبده، فشار
خون و زانو درد رنج می‌برد پس
از ۴۰ روز رژیم آب درمانی
بهبود یافت.

علی نقی، اهل و ساکن
همدان در خصوص وضعیت
جسمانی خود گفت: به علت
درد کمر و دیسک، درد زانو، گبده و
فشار خون قادر به حرکت نبودم و
بر اساس دستور پزشکان
خانه نشین شدم که با مطالعه، آب

درمانی را تحت نظر دکتر آغاز
کردم و پس از ۴۰ روز رژیم و
خوردن فقط آب، بهبود یافتم به
گونه‌ای که انگار تازه متولد شده و
از زندگی لذت می‌برم.

وی گفت: وزن من در این مدت
از ۷۰ کیلو به ۴۵ کیلوگرم کاهش
یافت و این یک معجزه الهی است
که من به بهبودی برسم.

وی گفت: موهایی سپید من
دارد به مشکی تبدیل می‌شود و
چهره‌ام نیز جوانتر شده است.

کلیشه روزنامه کیهان که خبرنگار آن روزنامه در همدان با
آقای علی نقوی پور مصاحبه نموده و در همان تاریخ در روزنامه
کیهان چاپ گردیده است.